



پیش در آمدی بر صنایع

صنایع روستائی

■ منظور از صنایع دستی، آن نوع صناعی است که بدون پیچیدگی تکنیکی در روستا بعنوان یک منبع درآمد و شغل تکمیلی در مواقع بیکاری های فصلی و غیره می باشد.

■ در مجموعه محصولات صنایع دستی، اقلام متنابهی مشاهده می شود که قابلیت صادرات آن بسیار زیاد بوده و می تواند بامشابه های خارجی خودش در بازارهای بین المللی رقابت داشته باشد.

■ همواره یک رابطه مستقیم و منطقی بین مشخصات آب و هوا و مواد اولیه و نوع صنایع دستی خانگی در مناطق روستائی کشور سابق براین وجود داشته و هم اکنون نیز وجود دارد.

فعالیت‌های کشاورزی در روستا یا شهرها انجام می‌دهند و در بافت اقتصادی روستا و روستائیان فقط از زوایای بسیار حادی مطرح می‌گردند که مصرف مواد اولیه یکی از آن طرق می‌باشد و غیر از این هیچگونه نقشی در روستا نداشته، گو اینکه پیشرفت این نوع صنایع در جوار روستاها، مشوقی خواهد شد تا روستائیان از کشاورزی به این سمت رو آورده و مشکلات لاینحلی را بوجود بیاورند.

یک خانواده روستائی با پرداختن به صنایع دستی خانگی در فصول بیکاری می‌تواند مقدار زیادی از کمبود درآمدهای خود را برطرف ساخته و با مصرف و بکارگیری مواد اولیه که عمدتاً در همان منطقه تهیه میگردد و نیروی کار ارزانی که در خانواده وجود دارد یکمحل درآمد تثبیت شده‌ای را برای خود آماده نماید که اثرات مطلوب آن غیرقابل انکار است. وقتی در جنوبی‌ترین منطقه کشور و یا شمال... مملکت با توجه به نوع آب و هوای مختلفی که دارند کنکاش بعمل می‌آید بوضوح مشاهده می‌شود که همان سیدبافی، حصیربافی... که در جنوب بنا بر نیاز منطقه گرمسیری بوسیله الیاف خرما تهیه میگردد در شمال بوسیله گاله یا سوف که اطراف مردابها خودرو است ساخته می‌شود.... و این مطلب نشانگر این موضوع است که صنایع دستی هر منطقه، سابق براین که وسائل ارتباطی نیز به شکل کنونی نبوده از یک شکل بومی خاص خویش برخوردار بوده و در یک رابطه مستقیم با نیازهای منطقه‌ای و مواد اولیه موجود در آنجا بوده است مثلاً نمدمالی که در اکثر نقاط کشور ما انجام میگردد و در گذشته بیشتر رونق داشته است همواره در مناطقی که دامپروری و از طرف دیگر رطوبت و سرما وجود داشته انجام می‌گرفته است و یا در آذربایجان که منطقه سردسیری می‌باشد صنایع دستی خانگی در اغلب روستاها مرسوم است که از آن دست‌بافی، دستکش، جوراب و دیگر البسه پشمی می‌باشد که با استفاده از پشم گوسفند، نیاز به لباس گرم‌ازا، در برابر سرمای شدید منطقه برطرف می‌شود و این موضوع از دیدگاه‌های مختلف حائز اهمیت است که:

الف: تولید چنین محصولاتی عامل مهمی در پائین نگاه داشتن مصرف روستائیان بوده است.
ب: بعنوان یک حرکت ضد استعماری در برابر هجوم فرهنگ مصرف غرب با یک بنیه قوی فرهنگی، همواره از ورود کالاهای ساخته شده توسط شرکتهای چند ملیتی به روستا جلوگیری نموده است و گذشته از این در بیشتر موارد کیفیتها با مشابه خارجی قابل مقایسه نیستند.

ج: در مجموعه محصولات صنایع دستی اقلام متنابهی مشاهده می‌شود که قابلیت صادرات آن بسیار زیاد بوده و میتواند با مشابه‌های خارجی خودش در بازارهای بین‌المللی رقابت داشته باشد و از این طریق نیز موجبات رشد اقتصادی کشور گردد که این منافاتی با گسترش صنایع با تکنیک

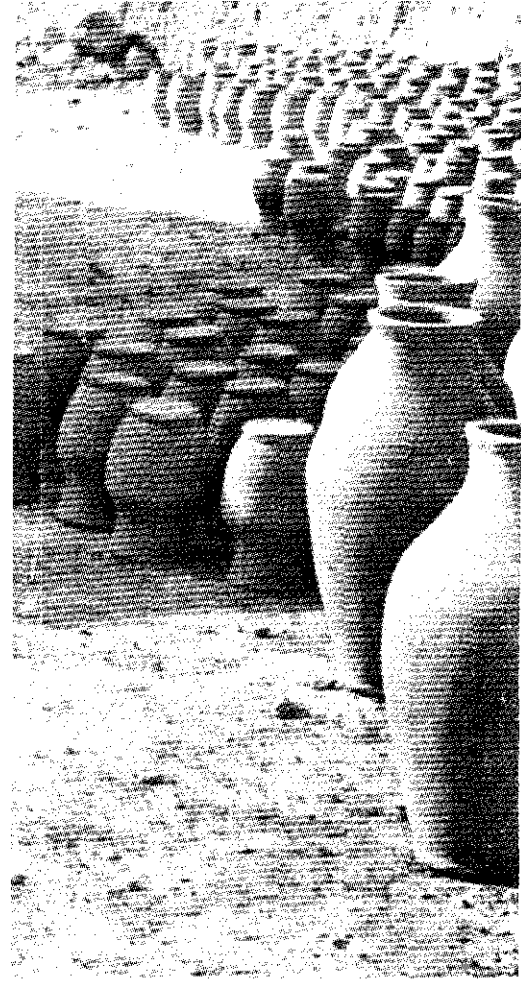
خود کفائی در امر تهیه محصولات کشاورزی در داخل کشور در روند مبارزه با استکبار جهانی امری حیاتی و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و رسیدن به این مقصود نیاز به یک بسیج همگانی در کلیه جهات داشته و دارد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بعضی از زمینه‌ها گامهای مثبتی برداشته شده است، لکن چون جامع و مانع نبوده انقلاب را در رسیدن به این هدف دچار مشکلاتی نموده است.

مهاجرت بی‌رویه و رو به تزاید روستائیان عزیز به شهرهای مجاور روستا و تسدريجاً به مراکز بزرگتر شهری را نمی‌توان با اصل خود کفائی محصولات عمده کشاورزی بی‌ارتباط دانست بلکه یک رابطه کاملاً مستقیم نسبت به همدیگر دارند که با افزایش مهاجرت تولید کاسته شده و در نتیجه ایصال به هدف مشکلتر و نامانوس‌تر خواهد شد. لذا پرداختن به علل مهاجرت و از طرفی بالا بردن جاذبه روستا در جذب شهرنشینها، از عمده‌ترین مسائلی بوده که مسئولین محترم انقلاب در پی آن می‌باشند و علت تعرض این مطلب به موضوع فوق، بررسی یکی از ابعاد گسترده قضیه است که آن بافت اقتصادی روستا و روستائیان می‌باشد که چون موضوع را صرفاً از ناحیه صنایع دستی پیگیری می‌نمائیم، لزوماً در تنگاتنگ مسائل مطروحه فوق بررسی می‌شود.

ارتقاء سطح درآمد روستائیان و اغنا نمودن خانواده‌های روستائی از نیازهای اولیه زندگی، عملاً ثابت نموده است که یک عامل بسیار قوی و خاصی در جذب آنان به روستا می‌باشد و درآمد ناشی از کشاورزی و شغل‌های مکمل آن در روستا و عوامل فرهنگی و... از مهمترین آنان بشمار می‌رود. که صنایع دستی همواره می‌تواند نقش یک مکمل اقتصادی را در رشد درآمد روستائی کشور ایفا نماید.

منظور از صنایع دستی، آن نوع از صناعی است که بدون پیچیدگی تکنیکی در روستا بعنوان یک منبع درآمد و یک شغل تکمیلی در مواقع بیکاری فصلی و غیره بوده که کشاورز از مواهب آن استفاده می‌کند که بدینوسیله می‌تواند هم از اتلاف وقت خود که هیچ نوع کار دیگری ندارد جلوگیری نماید و هم یک کالائی را تولید کند که یا پاسخی به نیازهای مصرفی خانواده خود بوده و یا به جهت فروش به جامعه ارائه میگردد، لذا در اینجا صنایع دستی خانگی مورد نظر می‌باشد، البته با پیشرفت در این بخش قادر خواهیم بود جهت تولید بیشتر از ابزار آلات مسدرنتری که موافق با ساخت و امکانات روستا باشد استفاده نمائیم.

اما نوع دیگری که در صنایع دستی طرح می‌شود این است که صنعتگران شغل خویش را بعنوان یک فعالیت روزمره و در تمام فصول سال بدون انجام



قسمت اول

البته از نظرها پنهان نیست که همواره توجه به صنایع دستی خانگی التفات به کشاورزی است و نباید این موضوع که فرع بر کشاورزی بوده و بعنوان اهرمی جهت تقویت کشاورزی در نظر گرفته شده عکس تلقی گردد.

«تولید محصولات صنایع دستی» بعنوان یک حرکت ضد استعماری در برابر هجوم فرهنگ مصرفی غرب با یک بنیه قوی فرهنگی، همواره از ورود کالاهای ساخته شده توسط شرکتهای چند ملیتی به روستا جلوگیری نموده و می‌نماید.

پیشرفته در دراز مدت رانخواهد داشت که در حال حاضر در بعضی از کشورهای پیشرفته جهان عملاً با اتخاذ و اعمال سیاستها و برنامه‌ریزیهای صحیح توانسته‌اند صنایع دستی را همپای صنایع پیچیده خود رشد داده و حفظ نمایند و از این طریق هم مقصود اصلی که تقویت اقتصاد روستا و کشاورزی است محقق گردد و هم درآمدی بدون زحمت برای مملکت ایجاد نماید.

د. ثمره موارد فوق که نتیجتاً رشد درآمد خانوارهای روستائی را بهمراه دارد بعنوان یک عامل مهم و بازدارنده از مهاجرت به شهرها و همچنین عاملی برای تامین رفاه روستائیان می‌گردد.

البته گذرا به این مسئله اشاره کنیم که: تکامل در زمینه‌های فوق نیاز به یک برنامه‌ریزی همه جانبه در تهیه و آماده سازی مواد اولیه و تضمین خرید کالاهای ساخته شده و از بین بردن واسطه‌ها و ایجاد تعاونیهای تولیدی، ایجاد بازار فروش و... خواهد داشت و در یک مدت زمانی نه

چندان طولانی نتایج بسیار ثمر بخشی بسیار خواهد آورد.

گذشته از روستا، عشایر کشور که عمدتاً با دامداری و دامپروری سروکار دارند نیز به علت نیازهای فاحش خویش و از طرفی آب و هواهای محل زندگی و سخت کوشی اینان برای تهیه کالاهای مورد نیاز خویش، صنایعی در بین عشایر رواج دارد که بعضاً تولیداتشان بیش از مصرف بوده و مازاد آن را در اختیار دیگران می‌گذرانند و بخودی خود این نیز کمکی به وضع اقتصادی آنان می‌شود.

بررسی منطقه‌ای کشت و صنایع دستی

با عنایت به نوع محصولات کشاورزی تولید شده در استانهای مختلف کشور به یک عامل مشترک زمانی در بیکاریهای فصلی کشاورزان پی برده که این زمان بیکاری با توجه به نوع کشت و آب و هوا و زمین خاص منطقه مورد نظر با دیگر مناطق متفاوت است مثلاً در استان گیلان که ۴۴/۵ درصد و استان مازندران ۴۰ درصد برنج

کشور در آنجا تولید می‌گردد و همچنین وجود باغات مرکبات و صید ماهی در زمستان و... زمان بیکاری و نیاز به تامین مخارج زندگی که در مجموع برای زارعین باقی می‌ماند، با زمان بیکاری در استانهای دیگر مثلاً خراسان و فارس که بیشتر از ۲۱ درصد گندم کشور را روی هم تولید می‌کنند تفاوت دارد که با مراجعه به صنایع دستی خانگی در استان گیلان و مازندران که عمدتاً صنایع نمدمالی، سفالسازی، خراطی، حصیربافی، بطور مشترک و نازک کساری و بامبوسازی... در استان گیلان انجام می‌گیرد در استان خراسان و فارس مشترکاً- نمد مالی، گلیم بافی، زیلوبافی و سبد و حصیر بافی و گیوه دوزی انجام می‌گیرد که البته صنایعی هم هست که مختص به هر استان است مثلاً خاتم‌سازی و فیروزه‌تراشی بیشتر در فارس و جواهرسازی بیشتر در خراسان وجود دارد. که از موضوع فوق این نتیجه بنظر می‌رسد که در تقویت و احیاء هر صنعت لازم است صنایع خاص و بومی همان منطقه که در رابطه با شرایط جغرافیائی و





اجتماعی و همچنین نوع دسترسی به مواد اولیه می‌باشد کاملاً در نظر گرفته شود، البته از نظرها پنهان نیستا که همواره توجه به صنایع دستی خانگی استفتات به کشاورزی است و نباید این موضوع که فرع بر کشاورزی بوده و بعنوان اهرمی جهت تقویت کشاورزی در نظر گرفته شده عکس تلقی گردد یعنی آنقدر به صنایع دستی توجه شود که روستائیان طریق تامین خود را از صنایع دستی جستجو کنند و فقط به دنبال تولید محصولات صنایع دستی باشند، کما اینکه در اغلب روستاهای نزدیک به شهرها بعلا اقبال خریدارها از نوع محصول صنایع دستی، کشاورز بطور کلی کشاورزی را کنار گذاشته، یا در روستا و یا در شهرهای مجاور روستا اقدام به ایجاد کارگاه و نوعاً عامل جذب نیروهای دیگر از روستا شده‌اند و اینیک عمل بسیار حساس خواهد بود که چنانچه تصمیمات نسنجیده در این رابطه اتخاذ گردد می‌تواند اثرات تعیین کننده‌ای بر اصل موضوع داشته باشد لذا ایجاد یک شبکه خرید فصلی محصولات در کنار توجه بیشتر به امر کشاورزی عملی لازم بنظر می‌رسد که ضمن ترغیب کشاورزان به کشت، درآمد مطمئنی که ناشی از فروش محصولات صنایع دستی عاید آنان نیز می‌شود برخوردار شوند. آنچه در ذیل آمده نشانگر مختصری از رابطه محصولات کشاورزی و صنایع خانگی مناطق مختلف کشور می‌باشد که امید است با احیاء صنایع بومی و تهیه و تقویت مواد اولیه، که سابق بر این در آن مناطق وجود داشته کمکی به درآمد روستائیان گردد.

مازندران دشت گرگان و گنبد است که ۵/۲ درصد گندم و ۶/۳ درصد جو و ۳ درصد برنج و ۴۵/۸ درصد پنبه کشور را تولید می‌کند و بعلا وجود دامهای فراوان در منطقه صنایع دستی بیشتر به بافت و تهیه قالی و قالیچه که معروفیت زیادی نیز دارد گرایش دارد که مواد اولیه اغلب در منطقه تهیه میشود.

۳- استان آذربایجان شرقی و غربی
در این استان بیش از ۱۵ درصد گندم و ۱۷ درصد جو و ۲۰ درصد حبوبات و ۳۰ درصد سیبزمینی و ۲۰ درصد پیاز و مقدار زیادی انگور کشور تهیه میگردد و دامپروری در این دو استان نیز رواج خاصی دارد که در آذربایجان شرقی بافت پوشاک پشمی، پتوبافی، و چادر شب بافی و گلیم و جاجیم بافی و بافت شال پشمی و قالی در آذربایجان غربی، و مصنوعات چرمی، نمدمالی و دستیابی، گلیم بافی و بافت پوشاک پشمی و... از عمده‌ترین صنایع دستی این دو استان بشمار می‌رود که وجود مواد اولیه جهت تهیه دستباف باعث شده است که بافت انواع پوشاک و گلیم و قالی و... در این دو استان رونق خاصی داشته باشد.

و «لی» که در مزارع و باتلاقها می‌روید و محصولاتی نظیر زنبیل، کلاه و غیره تولید می‌گردد، که اغلب اینکار بصورت فصلی پس از برداشت محصولات کشاورزی صورت می‌پذیرد. علاوه بر رشته‌های فوق قلابدوزی، ابریشم‌بافی، جاجیم و گلیم‌بافی، جوراب‌بافی، شال بافی و سفالگری نیز در این استان رواج دارد که عده‌ای از روستائیان بصورت فصلی به این کار مشغول می‌شوند که مواد اولیه قلابدوزی، ماهوت و نخ ابریشم طبیعی است و در منطقه تهیه میگردد.

۲- استان مازندران

این استان که ۴۰ درصد برنج و ۲/۹ درصد حبوبات و ۱/۳ درصد سیبزمینی و ۱/۸ پیاز و مقدار زیادی مرکبات و محصولات کشاورزی کشور را تولید می‌کند و دستیابی، نمدمالی، گیوه‌دوزی، گلیم‌بافی بعنوان صنایع دستی رایج استان می‌باشد که همچنین مواد اولیه حصیربافی نیز از گیاهی بنام (گاله) که در اطراف شالیزارها می‌روید تهیه می‌گردد.

یکی از مهمترین مناطق کشاورزی استان

۱- صنایع دستی و محصولات کشاورزی استان گیلان

استان گیلان ۴۴/۵ درصد برنج، ۳/۹ درصد حبوبات و همچنین مقدار قابل توجهی مرکبات و سایر محصولات کشاورزی کشور را تولید می‌کند که از عمده‌ترین محصولات صنایع دستی این منطقه می‌توان نازک کاری که مواد اولیه آن انواع چوب است را نامبرد که عموماً چون در فصل تابستان توریستهای از استان گیلان بازدید می‌کنند بالطبع تقاضا برای آن بیشتر از سایر فصول است و در مواردی نازک کاری گذشته از یک کارفصلی برای زارعین یک شغل فنی برای عده‌ای از اهالی نیز قرار گرفته است که چوب هم بعلا وجود جنگلهای انبوه شمال جهت اینکار، به سهولت تهیه میگردد، از جمله دیگر صنایع دستی گیلان بامبوسازی است که از نی مخصوص بنام خیزران که در نواحی لاهیجان و رشت در مردابها و اطراف رودخانه بطور طبیعی می‌روید استفاده میگردد و همچنین حصیر بافی نیز در این استان در بین روستائیان رواج دارد که مواد اولیه در تهیه آن عبارت است از ساقه دو نوع گیاه بنام «سوف»

۴- استان باختران

استان باختران که دارای آب و هوای سرد و کوهستانی می باشد ۴/۴ درصد گندم و ۴/۸ درصد جو و ۱۴/۶ درصد حبوبات و مقداری چغندر قند و... کشور را تولید کرده و از لحاظ دامپروری از اهمیت ویژه ای برخوردار است که این امر سبب ایجاد صنایعی از قبیل نمدمالی، سراجی، گلیم بافی و همچنین وجود جنگل غرب سبب پرداختن عده ای به صنعت ریزه کاری شده است.

۵- استان کردستان

این استان ۴ درصد گندم ۳/۵ درصد حبوبات و مقداری دیگر از محصولات کشاورزی مورد نیاز کشور را تولید می کند که در گذشته و حال دامپروری از رونق خاصی در منطقه برخوردار بوده است و صنایع دستی که عمدتاً شالبافی، جاجیم بافی، نمدمالی، بافت مصنوعات چرمی می باشد مواد اولیه آن از پشم تولید شده در داخل استان تهیه میگردد و نازک کاری و خراطی چوب و حصیر بافی نیز به سبب جنگل نیز در بعضی نقاط رایج است.

۶- استان چهارمحال و بختیاری

این استان ۲/۴ درصد گندم و ۲/۱ درصد جو و ۱/۵ درصد سیبزمینی کشور را تولید می کند که دامپروری دارای اهمیت ویژه ای در این استان می باشد و صنایع دستی از قبیل نمدمالی، گیوه دوزی، خورجین بافی، زیلوبافی، پتوبافی و همچنین حصیر بافی و... رواج دارد.

۷- استان سیستان و بلوچستان

در این استان علاوه بر میوه و مرکبات، گندم و جو و حبوبات به میزان کمی تولید می شود و صنایع دستی از قبیل سوزن دوزی و گلیم بافی و چادر بافی و نمدمالی و حصیر بافی (از الیاف نخل) و سفال سازی و... رواج دارد که مهمترین کار دستی عده ای از زنان بلوچ سوزن دوزی می باشد که مواد اولیه اغلب از پاکستان وارد می شود.

۸- استان کرمان

در استان کرمان که از یک طرف در حاشیه کویر و از جنوب در نزدیکی ساحل دریای عمان قرار گرفته، دارای محصولات کشاورزی متنوعی از قبیل مرکبات، خرما، گندم به میزان ۳/۵ درصد و جو ۲/۸ درصد و سیبزمینی ۴/۱ درصد و پنبه ۲/۸ درصد تولید کشور را بخود اختصاص داده است و صنایع دستی از قبیل دستبافی،

گیوه دوزی، خراطی، حصیر بافی، نمدمالی و قالیبافی که در استان رواج دارد و در بین عشایر جیرفت نیز قالیبافی صورت میگیرد.

۹- استان سمنان

در این استان که ۹ درصد سیبزمینی و بیش از ۲ درصد پنبه تولید کشور را بخود اختصاص داده است و دامپروری نیز در کنار صنایع دستی دستبافی، نمدمالی و... انجام میگیرد که مهمترین ماده اولیه نمدمالی و غیره که پشم می باشد از دامداران همین استان تهیه می شود و در بخش سنگسر که یک منطقه دامپروری است محصولات دستباف که بیشتر جنبه خود مصرفی

دارد نیز تهیه میگردد.

۱۰- استان فارس

استان فارس که دارای وسعت و جمعیت قابل توجهی است گذشته از محصولات باغداری و مرکبات، ۳۱ درصد پیاز و ۱۲ درصد جو و ۱۱ درصد گندم و ۶ درصد برنج و ۸ درصد حبوبات و ۱۶ درصد چغندر قند و ۱۰/۵ درصد پنبه کشور در این استان تهیه میگردد که دارای صنایع دستی متنوعی از نوع نمدمالی، گیوه دوزی، گلیم و جاجیم بافی و حصیر بافی و همچنین صنایعی از قبیل خاتم سازی و سرامیک سازی و قلمزنی روی نقره که بعنوان شغل اصلی صنعتکاران می باشد را داراست و در بین عشایر ممسنی و دیگر



عشایر نیز گلیم و جاجیم بافی و در بین اهالی داراب و جهرم بعلت وجود الیاف نخل حصیر بافی رواج دارد.

۱۱- استان خراسان

در این استان علاوه بر کشاورزی، دامداری نیز رونق بسیار دارد که محصولات کشاورزی آنجا را گندم ۱۰ درصد و جو ۱۲ درصد و حبوبات ۹ درصد و چغندر قند ۴۳ درصد و پنبه بیش از ۱۵ درصد تشکیل می‌دهد و دارای صنایع دستی از نوع پوستین‌دوزی، دستبافی، نمدمالی، گلیم‌بافی، زیلوبافی، سبدمالی، گیوه‌دوزی و همچنین فیروزه تراشی و سرامیک‌سازی و... می‌باشد.

۱۲- استان هرمزگان

استان هرمزگان که در جنوبی‌ترین منطقه و در کنار خلیج فارس و دریای عمان واقع شده است علیرغم وجود آب‌وهوای گرم در بعضی از نقاط آن مرکبات، و دیگر محصولات کشاورزی از نوع گندم، جو، حبوبات،... تولید می‌شود که صیدماهی نیز در روستاهای مجاور دریا بعنوان یک عامل تأمین کننده تغذیه گوستی آنان محسوب می‌گردد و صنایع دستی منطقه عبارتند از گلابتون‌دوزی که بیشتر جنبه خودمصرفی دارد و حصیر بافی و بامبو بافی (که عموماً مواد اولیه در همین منطقه تهیه می‌گردد) و همچنین سفالگری و قالیبافی و....

۱۳- استان بوشهر

صنایع دستی استان بوشهر که دستبافی، حصیر بافی، گلیم بافی، نمدمالی و... می‌باشد در کنار کشت و زرع بعضی محصولات و مرکبات و هم تولید خرما قرار می‌گیرد که بافت قالی و قالیچه و بافت پوشاک نیز رایج است و حصیر و سبد را که از برگ درختان خرما به وفور یافت می‌شود تهیه می‌کنند.

۱۴- استان یزد و شهرهای حاشیه کویر

این منطقه دارای محصولات کشاورزی مقتضی آب و هوای خاص خودش می‌باشد و گندم و جو و سایر غلات و همچنین باغداری را می‌توان از آن نوع شمرد. صنایع دستی شامل حصیر بافی، چرم‌سازی، گیوه‌دوزی و... رایج است و همچنین در شهرهای حاشیه کویر مثل فردوس، طبس، اردستان، چادربش و حوله‌بافی و نمدمالی و خورجین‌بافی نیز رواج دارد.

۱۵- استان خوزستان

خوزستان که یکی از مهمترین استانهای کشور

با آب و هوای گرم و ذخائر زیرزمینی و روزمینی فراوانی می‌باشد بعلت آب‌وهوای خاص، دستبافی بیشتر در اطراف دزفول و شوش و نمدمالی و گیوه‌دوزی در بهبهان جزء تولیدات صنایع دستی بشمار می‌رود.

۱۶- استان کهگیلویه و بویراحمد

این استان که بین استانهای خوزستان، فارس، لرستان واقع شده دارای دو نوع آب و هوای کوهستانی و گرمسیری بوده و دامپروری بین روستائیان و عشایر آنجا رونق بسیار دارد و بیلاق و قشلاق عشایر در جنوب و شمال این استان در دامنه رشته کوههای مرکزی می‌باشد که صنایع دستی آنجا گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، سیاه‌چادر که عموماً مواد اولیه اش پشم گوسفند است در منطقه تهیه می‌گردد.

۱۷- استان لرستان، زنجان و چهارمحال و بختیاری

در این سه استان بعلت آب و هوای کوهستانی و وجود دامهای فراوان صنایع دستی از قبیل گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، نمدمالی (لرستان) و چاروق‌دوزی و ملیله‌سازی و گلیم‌بافی و... (زنجان) و نمدمالی و گیوه‌دوزی و خورجین‌بافی و گلیم‌بافی (استان چهارمحال و بختیاری) رایج است.

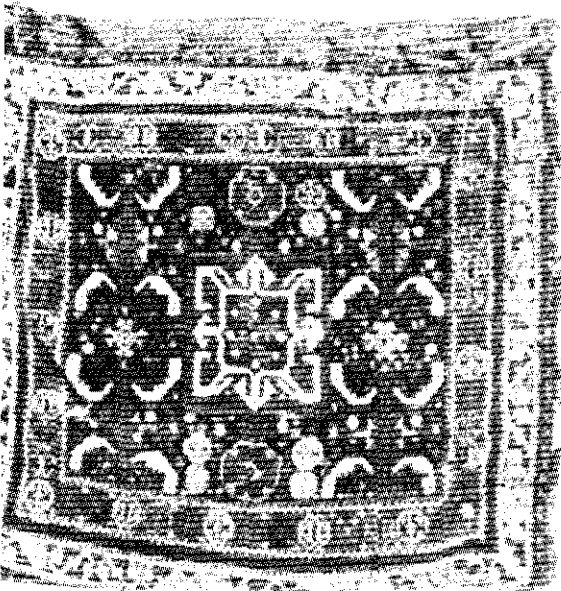
۱۸- استان اصفهان

استان اصفهان که از دوزمان یک منطقه هنری، صنعتی و کشاورزی بوده همواره بعنوان یک استان نمونه از جنبه‌های گوناگون شناخته شده است لذا در این استان حاصلخیز، علاوه بر کشاورزی بسیار خوب، صنایع دستی گوناگونی نیز رواج دارد که عمدتاً به لحاظ موقعیت خاص این منطقه بیشتر مشاغل صنایع دستی در شهرهای استان قرار گرفته و مرغوبیت خاصی برای مصرف کننده داشته و دارد لذا صنایع دستی خانگی این استان که عموماً در روستاها انجام می‌گیرد دستبافی نمدمالی و گیوه‌دوزی و... می‌باشد اما در شهرها صنایع دستی از قبیل قلمزنی فلزات، قلمکاری، ملیله‌سازی، کاشی‌سازی، نقره‌سازی، میناسازی و غیره نیز رواج خاصی دارد.

در استان مرکزی و تهران نیز صنایع گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی، درقم قالیبافی و... وجود داشته است که بعلت نزدیکی با مرکز کشور و اثرپذیری امواج فرهنگ مصرفی و نوعاً صنایع مونتاژ در بسیاری از موارد از تولید آن به میزان قابل توجهی کاسته شده است.

باتوجه به آماري که در سال ۱۳۳۵ از تولید صنایع دستی خانگی در سطح کشور (به شرح زیر) بدست آمده:

- الف. صنعت قالیبافی و زیلوبافی و غیره ۳۶/۸٪
- ب. پارچه‌بافی و ریسیدن نخ ۲۷/۸٪
- ج. تهیه و تولید مواد غذایی (مرباجات) ۱۲/۲٪



د. تهیه منسوجات و کفش ۷/۶٪

مجموعاً این حقیقت را می‌رساند که در بیشترین نقاط مملکت نیروی عظیمی که در فصولی بیکار تلقی می‌شده‌اند توانسته‌اند بخش وسیعی از مایحتاج جامعه را تأمین نمایند که طبق آمار فوق ۳۶/۸٪ فعالیت‌های عمومی صنایع دستی صرف صنعت مشروحه در بند الف شده است و از این طریق روستائیان قادر شده‌اند تا اندازه‌ای در تقویت بنیه اقتصادی خویش همت گمارند که سیاست‌های غلط و مهاجرت زای رژیم ستمشاهی و وارد نمودن انواع فشارهای فرهنگی و اقتصادی، بر روستا و روستائین نتایج مرگباری را بر این قشر عظیم جامعه ماثمیل نموده است و از جمله تحلیل رفتن نیروها و گرایش آنان به عدم تولید صنایع دستی خانگی را می‌توان نام برد.

از طرح مطالب فوق این نتیجه حاصل می‌گردد که یک رابطه مستقیم و منطقی بین مشخصات آب و هوا و زمین و مواد اولیه و نوع صنایع دستی خانگی در مناطق روستائی کشور سابق بر این وجود داشته و هم‌اکنون نیز وجود دارد که با احیاء، توسعه و ترویج این نوع صنایع از طریق برنامه‌ریزی دقیق و منطبق با خصوصیات اجتماعی روستا، که بعلت همگونی بازندگی روزمره در روستا به سادگی تحقق‌پذیر است فعالیت‌های غیر کشاورزی در کنار برنامه‌های کشاورزی را تقویت نموده و موجبات کاهش مصرف، رشد اقتصادی، افزایش درآمد و بالا بردن سطح تولید در روستا را فراهم نمائیم و در نتیجه این عامل موثری در کند نمودن آهنگ مهاجرت به شهرها خواهد گشت.

امید است با گسترش این بخش از صنایع دستی جاذبه ماندن در روستا روزه روز افزونتر و به حرکت انقلاب به سمت خود کفائی تسریع بخشیده شود. (ادامه دارد)

«والسلام»